فیلم‌های خلوت

در مقابل فیلم‌های شلوغ و پرجمعیت، فیلم‌های بسیار خلوتی هم ساخته می‌شوند. حتی کارهایی در تاریخ سینما داریم که تنها با یک بازیگر روایت شده‌اند؛ نمونه‌اش افتخار مخفی ساخته رابرت آلتمن که فیلیپ بیکر هال، نقش نیکسون، یکی از رئیسان جمهور آمریکا را بعد از رسوایی واترگیت و در خلوت مالیخولیایی‌اش روایت می‌کند. روایت فیلمساز به گونه‌ای است که حضور هر تعداد جمعیتی، قصه را از فضایی که باید دور می‌کرد. تام هاردی در فیلم لاک هم یک تنه فیلم را پیش می‌برد و تنها صدای بازیگران دیگر است که از طریق تلفن با او صحبت می‌کنند.



همچنین باید از فیلم جداافتاده ساخته رابرت زمه کیس هم یاد کنیم که بخش زیادی از فیلم، تام هنکس را تک و تنها در جزیره‌ای دورافتاده می‌بینیم که نه‌تنها خبری از جمعیت نیست بلکه انسان دیگری هم آن دور و اطراف یافت نمی‌شود. اگر یادتان باشد تنها همدمش، توپ والیبالی به نام ویلسون بود.

در روز جمعیت، نگاهی کرده‌ایم به فیلم‌هایی که برای ما یادآور شلوغی هستند

فیلم‌ها و آدم‌ها



علی رستگار

سینما

نقش سازنده افزایش نرخ رشد جمعیت برای اقتدار ملی و تلاش دولت برای رشد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور که متناسب و نیازگوی نیازهای این رشد جمعیتی باشد، مبحث مهمی است که البته اینجا و در این صفحه، نه قصد پرداخت به آن را داریم و نه متخصص آن هستیم. دوستان و همکاران عزیز ما در گروه جامعه و کارشناسان محترم و کاربلد حوزه اجتماعی برای نوشتن و طرح این مسائل و موضوعات حاضرند. اما واژه جمعیت ما را هم وسوسه و کنجکاو کرد که آن را به نفع سینما مصادره کنیم و سراغ فیلم‌هایی برویم که جمعیت نقش مهمی در آنها دارد. معمولا فیلم و سریال‌ها، با تمرکز روی یکی دو شخصیت اصلی یا کمی بیشتر از آن، روایت می‌شوند و به ندرت پیش می‌آید فیلم‌های به خصوص اجتماعی سراغ قصه‌ای پرشخصیت و شلوغ و جمعیتی زیاد بروند، مگر در صحنه‌ها و سکانس‌هایی خاص و به اقتضای فیلمنامه. نوشتن قصه برای شخصیت‌ها و جمعیتی زیاد، کار شاق و دشواری است و از هر فیلمنامه نویسی برنمی‌آید. ضمن این که هرچه تعداد شخصیت‌ها و جمعیت انسانی قصه بیشتر شود، سختی‌های پروسه تولید هم بیشتر می‌شود و افزایش هزینه‌ها را در پی خواهد داشت. یکی از مصداق‌های مسلم «من به هرجمعیتی نالان شدم» مولانا همینجاست.



دانش‌آموزان مدرسه در فیلم ایرانی ساخته ناصر تقوایی نقش مهمی دارند. حضور آنها در پوستر فیلم هم نشان از اهمیت این جمعیت دارد/ عکس: CIC

آپارتمان پرشخصیت



اجاره‌نشین‌ها ساخته داریوش مهرجویی از آن فیلم‌های پرجمعیت به معنای درستش در سینمای ایران است. در این کمدی که جنبه‌های انتقادی-اجتماعی‌اش هنوز کاربرد دارد، هم جمعیت به معنای عامش را می‌بینیم، چه آپارتمانی که ساکنان زیادی دارد و چه آن کارگرانی که برای تعمیرات خانه می‌آیند و هم جمعیت به معنای خاصش که تبدیل به شخصیت می‌شوند. کما این‌که شخصیت جذاب و پرداخته شده مش مهدی (فردوس کاویانی) از دل آن جمعیت کارگر ظهور و بروز می‌کند. داریوش مهرجویی در برخی فیلم‌های دیگرش هم تبحرش در کارگردانی صحنه‌های شلوغ و پرجمعیت را به رخ می‌کشد، به‌ویژه در مهمان مامان که آنجا هم آن جمعیت فراوان و شلوغی پرهیاهو، مانع از تبدیل آدم‌ها به شخصیت نمی‌شود.

شیفتگان بازیگری



یکی از مصداق‌های برجسته و بارز جمعیتی به معنای عام در سینمای ایران در فیلم سلام سینما قابل مشاهده است. فیلم با نمایش صف طویل و بی پایان عاشقان سینما شروع می‌شود که منتظرند برگه‌های ثبت‌نام برای تست بازیگری در یک فیلم سینمایی را دریافت کنند. هرچه زمان می‌گذرد، شلوغی و همهمه جمعیت بیشتر می‌شود و در زمان توزیع برگه‌ها و به ویژه ورود آدم‌ها به داخل مکان تست، به اوج خود می‌رسد. البته هرچه فیلم می‌گذرد، برخی از این جمعیت خنثی و منفعل، به‌تدریج تبدیل به شخصیت‌هایی نصفه و نیمه می‌شوند که هرکدام برای شیفتگی‌شان به بازیگری، قصه‌های منحصربه‌فردی دارند. نکته دیگر این که این جمعیت حاضر در فیلم در نگاهی فرامتنی قابل تعمیم به انبوه مشتاقان بازیگری هم هستند.

مسافران



ابراهیم حاتمی‌کیا از جمله کارگردان‌های سینمای ایران است که جسارت و توانایی به تصویرکشیدن صحنه‌های شلوغ و پرجمعیت را دارد. برجسته‌ترین نمونه، آژانس شیشه‌ای است که در یک محیط ثابت (آژانس هواپیمایی)، جمعیتی را به شکل درست و جذاب هدایت می‌کند و به مقصد (به لحاظ شخصیتی) می‌رساند. اینجا همان‌قدر که جمعیت، حضوری پرکننده در فضا دارند (نزدیک عید است و مسافران به دنبال خرید بلیت برای مسافرت هستند)، شخصیت‌های پرتعدادی چون حاج کاظم، عباس، سلحشور، اصغر، احمد کوهی، نرگس و ... را داریم که حرفی برای گفتن دارند. حاتمی‌کیا آنجا که می‌خواسته استفاده ابزاری از جمعیت کند، صحنه‌های اطراف حاجی و شخصیت‌های اصلی را فلو کرده و هروقت خواسته آنها را کمی کنشگر و غیرمنفعل نشان دهد نیز دیالوگ‌هایی در راستای قصه به آنها داده است. اما در نوشتن و هدایت انبوه شخصیت اصلی سنگ تمام گذاشته و حساب همه چیز را کرده است. حاتمی‌کیا در فیلم‌های دیگری چون ارتفاع پست و خروج هم فضاهای شلوغ و پرجمعیتی را تجربه کرد که البته به نظر برخی کارشناسان و منتقدان سینما در نمونه اول، موفق‌تر عمل کرد.

انبوه جمعیت، انبوه شخصیت

اول باید روشن کنیم جمعیت در فیلم‌ها چگونه به کار گرفته می‌شود. میزان اهمیت جمعیت در آثار سینمایی و تلویزیونی را فیلمنامه تعیین می‌کند. این فیلمنامه نویس و بعد کارگردان است که تشخیص می‌دهد اثر پرشخصیت و پرجمعیتی داشته باشد یا نه. معمولا فیلم‌ها استفاده ابزاری از جمعیت می‌کنند و تعداد آدم‌های زیادی که یک صحنه و سکانس شلوغ و پرجمعیت را تشکیل می‌دهند، حضوری باری به هرجهتی دارند یا برای پرکردن فضا و القای محیط شهری یا روستایی یا در راستای نمایش موقعیت شخصیت‌های اصلی و مکمل به کار برده می‌شوند. در این صحنه‌ها عمدتا با جمعیت خنثی و منفعلی طرفیم که کار بخصوصی انجام نمی‌دهند یا کارهایی کلی و گروهی را انجام می‌دهند که نویسنده و کارگردان برای آنها درنظرگرفته است، به عنوان مثال در سکانسی که شخصیت اصلی در میدان بزرگ شهر مشغول سخنرانی است، مردمی را می‌بینیم که در میدان جمع شده‌اند و مخاطب سخنران هستند یا در سکانس تظاهرات که دوربین شخصیت اصلی را دنبال می‌کند، ما خیل جمعیت معترض را هم پیرامون او می‌بینیم.

اما گاهی جمعیت این‌قدر منفعل و پیرو نیست و کنشگر است. درواقع چون با فیلمنامه نویس متبحرتری طرفیم یا قصه این‌گونه ایجاب می‌کند، نه همه جمعیت اما دست کم برخی از آنها از حد اکسسوار و ابزار صحنه و تیپ فراتر می‌رود و تبدیل به شخصیت می‌شود. درواقع با آدم‌های تقریبا زیادی روبه‌روییم که هرکدام شخصیت و ویژگی‌ها و خرده قصه‌هایی در راستای داستان کلی و اصلی دارند. به عبارت دیگر در مقابل آن گروه اول فیلم‌ها که می‌توان از آنها به عنوان فیلم‌هایی صرفا پرجمعیت نام برد، این دسته دوم را می‌توان فیلم‌های پرشخصیت نامید و ما با یک جمعیت کنشگر و فعال و موثر مواجهه‌ایم.

فیلم‌های پرجمعیت

یک سری فیلم‌ها ذاتا و ماهیتا شلوغ و پرجمعیت و پربازیگر هستند؛ فیلم‌های جنگی، تاریخی، حماسی، دینی و مذهبی، وسترن، موزیکال، کمدی‌های اسلپ استیک (بزن بکوب) از جمله گونه‌های سینمایی هستند که معمولا و مطابق قواعد و اصول بصری و زیبایی شناسانه جمعیت زیادی در آنها به چشم می‌خورد. فیلم‌هایی که قصه‌شان در محیط زندان یا مدرسه و دانشگاه و خوابگاه و نظایر اینها روایت می‌شود،کم و بیش چنین خصوصیاتی دارد. اینجا البته عموما جمعیت، کاربرد عمومی‌دارد و بیشتر به عنوان پرکننده فضاست. نقش سیاهی لشکرها یا هنروران در چنین فیلم‌هایی بارز و برجسته است و آنها با حضور انبوهشان به شخصیت‌های اصلی و قهرمان‌ها و ضدقهرمان‌های فیلم یاری می‌رسانند و به لحاظ فضا و اتمسفر و درکلیت، پیش برنده بخش‌هایی از قصه هستند.

شکوه آدم‌ها

فیلم‌هایی که سراغ جمعیت و نمایش آدم‌های زیاد در قصه می‌روند، باید امکان خوبی هم برای نمایش آنها داشته باشند. یعنی وقتی کارگردانی فیلم عظیم و پربازیگر و پرجمعیتی می‌سازد، حتما در این مورد روی پرده عریض سینما حساب ویژه‌ای باز می‌کند. ساحت و عظمت سینماست که چنین انگیزه‌ای را در فیلمسازان به وجود می‌آورد. پرده بزرگ سینما و سحرانگیزی آن بود که جان فورد را به سمتی می‌برد که وسترن‌های درخشان و پرجمعیتی را در لوکیشنی چون مانیومنت ولی (دره یادبود) روایت کند. از جایی به بعد صنعت سینما برای نشان دادن شکوه و عظمت فیلم‌های حماسی و پرخرج و پرجمعیت، به قطع فیلم‌های عریض‌تری فکر کرد و فیلم‌های ۷۰ میلی متری شکل گرفت. نگاتیو فیلم‌های معمولی سینمایی، عرض ۳۵ میلی متری داشتند. جالب است تلویزیون ایران به نسبت سینمای ایران، آثار پرجمعیت‌تر و باشکوه‌تری به لحاظ جمعیتی ساخته، سریال‌هایی چون هزاردستان، سربداران، امام علی (ع)، مختارنامه، در چشم باد، کیف انگلیسی، کلاه پهلوی و ... از این دست هستند، درحالی‌که اتفاقا پروداکشن و فضای جمعیتی آنها با مدیوم سینما و پرده بزرگ آن تناسب بیشتری دارد و انبوه آدم‌ها در قالب فیلم‌های سینمایی بیشتر به چشم می‌آید.

با شرکت سیاهی لشکرهای عزیز



سیاهی لشکرهای «اسپارتاکوس» در حال استراحت

سیاهی لشکرها و هنروران اگر نبودند، قطعا تاریخ سینما و تلویزیون چیزی اساسی کم داشت و شاید این همه قهرمان و نقش اصلی‌ها و مکمل‌ها به چشم نمی‌آمدند. انبوه سیاهی‌لشکرها در قالب نقش سرخپوست و هفت‌تیرکش‌های مهمیزپوش آمریکایی‌ها باید کشته می‌شدند یا دست‌کم به جان هم می‌افتادند تا جان وین و گاری کوپر و جیمز استوارت، خودی نشان دهند و سری توی سرهای عالم وسترن دربیاورند. کرک داگلاس برای درخشش در قامت اسپارتاکوس نیاز به خیل عظیم شورشی‌ها داشت و بدون آنها، شکوه مقاومت و مبارزه و رهبری‌اش جلایی نداشت.

البته حضور سیاهی‌لشکرها و هنروران و پشتوانه جمعیتی‌شان برای فیلم و سریال‌های مختلف از گذشته تا امروز، روندی قابل بررسی را طی کرده است. قدیم‌ها که هنوز سینما به لحاظ تکنیکی به اندازه این سال‌ها پیشرفت نکرده بود، ناگزیر برای یک صحنه و سکانس خاص پرجمعیت، به همان اندازه‌ای که باید از ظرفیت انسانی بهره گرفته می‌شد و مثلا اگر نیاز به سپاهی هزارنفره بود، کم و بیش همین تعداد نیرو را به کار می‌گرفتند که خب همه این‌ها نیاز به سلاح، لباس و دیگر ملزومات جنگی داشتند اما در سال‌های اخیر برای تامین چنین جمعیتی، تنها نیاز به بخشی از افراد و سیاهی‌لشکر و هنرور است و جلوه‌های ویژه رایانه‌ای تا حد زیادی به مدد آمده و جور جبران جمعیت را می‌کشد. اما کارشناسان سینمایی معتقدند آن زمان که جمعیت حاضر تنها به واسطه حضور سیاهی لشکرها تامین می‌شد و خبری از جلوه‌های ویژه رایانه‌ای نبود، حس صحنه‌ها به واقعیت نزدیک‌تر بود.

یک هیچ و آن همه



ترکیب مردی پرخور و بی مصرف با خانواده‌های شلوغ و فقیر تبدیل به فیلم جذابی چون هیچ به کارگردانی عبدالرضا کاهانی شد. با این که فیلم تقریبا در یک خانه و با تعداد زیاد آدم‌ها روایت می‌شود، اما هیچ دارای قصه و ضرباهنگ پرکششی است و همه شخصیت‌های آن طراحی و پرداخت درستی دارند. جمعیت خانواده نیز با فرهنگ و کلیشه‌های جمعیتی آن طبقه ای که در فیلم می‌بینیم، سنخیت دارد و بر درام قصه می‌افزاید. اگر نادر سیاه دره (مهدی هاشمی) وارد خانواده کم جمعیت و از جنس و طبقه دیگری می‌شد، این قصه و چالش روایتی شکل نمی‌گرفت.

بزن بکوب پرجمعیت



۵۰ کیلو آلبالو ساخته مانی حقیقی، کمدی اسلپ استیک و بزن بکوبی است و طبق قواعد این گونه سینمایی هم روایت شلوغ و پرجمعیتی را انتخاب می‌کند. شلوغی فیلم و انبوه بازیگران سرشناس فیلم حتی به پوستر این اثر سینمایی هم راه پیدا کرده است. مراسم عروسی آغازین و پایانی فیلم هم که بالقوه، مستعد شلوغی و جمعیت است.

دیگر جمعیت‌های حاضر

من دیه گو مارادونا هستم ساخته بهرام توکلی، ای ایران و ناخدا خورشید هر دو ساخته ناصر تقوایی، کشتی آنجلیکا ساخته محمد بزرگ نیا، شیر سنگی، در مسیر تندباد و ایران برگر هرسه ساخته مسعود جعفری جوزانی، تحفه‌ها ساخته ابراهیم وحیدزاده، کفش‌های میرزانوروز ساخته محمد متوسلانی، محمد رسول ا... ساخته مجید مجیدی، مادر ساخته علی حاتمی، روز باشکوه ساخته کیانوش عیاری، آپارتمان شماره ۱۳ ساخته یدا... صمدی، دوئل ساخته احمدرضا درویش و ... از جمله فیلم‌های شلوغ و پرجمعیت سینمای ایران هستند. از فیلم‌های متاخرتر می‌توان به ساخته‌های محمدحسین مهدویان اشاره کرد که در فضای شلوغ و با تعداد آدم‌های زیاد روایت می‌شوند. سعید روستایی هم در دو فیلم ابد و یک روز و متری شیش و نیم، به‌خوبی صحنه‌های شلوغ و پرجمعیت را روایت کرد. در ابد و یک روز خانواده شلوغی را با جزییات شخصیتی به تصویر کشید و در متری شیش و نیم هم دو سکانس تماشایی و تاثیرگذار پرجمعیت دارد، تعقیب جماعت معتاد در محل اختفا و در خیابان و بعد هم هنگام حضور پرشمار و خفه کننده آنها در بازداشتگاه.

ماکت یک جامعه



اصغر فرهادی همانطور که استادی اش را در یک روایت خلوت در رقص در غبار نشان داد، در فیلمی شلوغ و پرجمعیت چون درباره الی نیز موفق عمل کرد. میزانسن و شخصیت پردازی و بازی های خوب جمع رفقا چه در زمان شادی ها و دورهمی های اولیه و چه به هنگام بحران و سکانس های دعوا و درگیری، آموزشی و مثالزدنی است. این تبحر در دایره زنگی ساخته پریسا بخت آور هم که اصغر فرهادی فیلمنامه اش را نوشته نیز برجسته است. آن جمعیت پرماجرا و پرهیاهوی ساکن آپارتمان، همچون جمعیت درباره الی، ماکت و نمونه ای از طبقه متوسط جامعه است.

خارجی‌های عظیم

اسپارتاکوس، هفت سامورایی، آشوب، بعدازظهر سگی، رستگار در شاوشنگ، فرار به سوی پیروزی، بربادرفته، لارنس عربستان، غلاف تمام فلزی، خرقه و ... تنها برخی از فیلم‌های شلوغ و پرجمعیت سینمای جهان هستند. یکی از مهم‌ترین فیلم‌های تاریخ سینما که استفاده درست و جذابی از جمعیت می‌کند و آدم‌ها فراتر از حضور محیطی، تبدیل به شخصیت می‌شوند، دیوانه از قفس پرید ساخته میلوش فورمن است و تقریبا همه جمعیت حاضر در محیط بیمارستان روانی، بُعد دارند و شخصیت‌هایی ملموس هستند. با این که همه چیز در جهت قهرمان بازی‌های مک مورفی (جک نیکلسون) است، اما دیگر دیوانه‌ها هم جمعیت صرف نیستند و نسبت به آن محیط چیره‌گر، کنش و واکنش دارند.



نمایی از لارنس عربستان